

بررسی ابعاد حق بر حریم خصوصی نسبت به سالمندان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۹/۲۳

سید احمد حبیب‌نژاد*
محمد صالح تسخیری**

چکیده

همزمان با پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه بهداشت و سلامت در یک قرن اخیر، به دلیل افزایش سن امید به زندگی و کاهش مرگ و میر از یک سو و کاهش تمایل به فرزندآوری از سوی دیگر جوامع مختلف با پدیده «پیری جمعیت» روبه‌رو شدند. در جوامع یادشده، با گسترش رفتارهای ناخوشایند علیه سالمندان، گرایشی از حقوق حمایتی با عنوان «حقوق سالمندان» برای حراست از این قشر جمعیتی شکل گرفت. یکی از مصادیق حقوق سالمندان، حق حریم خصوصی و استقلال عمل است. حریم خصوصی سالمند به‌ویژه در رابطه با مراکز درمانی و نگهداری و همچنین محیط خانه و خانواده اهمیت بسزایی دارد. در این نوشتار، این موضوع بررسی شده است که حق بر حریم خصوصی چه جایگاهی در زندگی و حقوق سالمندان دارد و دولت به چه میزانی باید در مظاهر متفاوت از این حق برای حراست از سالمندان دخالت کند. براساس یافته‌های این نوشتار، حراست از اصل محرمانگی اطلاعات پزشکی در مراکز درمانی، حراست از حق رفتار مبتنی بر حریم خصوصی در مراکز نگهداری و اعتقاد به حریم نسبی خصوصی در خصوص محیط خانه‌های شخصی از ضروریات این موضوع به‌شمار می‌آید. همچنین این ادعا نیز ثابت شده است که در تعارض حق حریم خصوصی سالمند با حقوق دیگران یا با اصل کرامت انسانی، دولت مکلف به محدودسازی میزان استقلال عمل سالمند خواهد بود.

واژگان کلیدی: حقوق سالمندان، حق بر حریم خصوصی، سالمندان، سوءرفتار، اصل محرمانگی اطلاعات.

* دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران
(a.habibnezhad@ut.ac.ir)

** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل و پژوهشگر مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
(Taskhiri.ms@gmail.com)

مقدمه

پس از جنگ‌های جهانی دوگانه، به تدریج با بهبود وضعیت بهداشت عمومی در تمامی جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، سن امید به زندگی نیز افزایش یافت و در نتیجه عموم افراد از عمر بیشتری برخوردار گشتند. همزمان با این پدیده، میل به فرزندآوری نیز کاهش یافت و نسل‌های جدید از لحاظ تعداد، جایگزین نسل‌های بعدی نشدند. افزایش سن امید به زندگی و کاهش تمایل به فرزندآوری منجر به ظهور پدیده‌ای به نام «پیری جمعیت» شد. پیری جمعیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که درصد قابل توجهی (۹ تا ۱۵ درصد) از جمعیت یک کشور را افراد سالخورده تشکیل دهند. این که ملاک سالخوردگی و سالمندی چیست، مورد اختلاف است. هر چند متوسط سن بروز سالمندی، شصت و پنج سالگی دانسته می‌شود (حبیب‌نژاد و نسخیری، ۱۳۹۶، ص ۲۱) اما این سن در هر جامعه، تابعی از سن امید به زندگی، شرایط بهداشتی و سطح رفاه آن جامعه است؛ از این رو سن بروز سالمندی در جوامع مختلف، متفاوت است.

جامعه‌ای که با پیری جمعیت روبه‌رو باشد، با معضلات اجتماعی متفاوتی از دیگر جوامع برخورد می‌کند. بی‌توجهی و غفلت نسبت به سالمندان، سوء استفاده اقتصادی و اجتماعی از آن‌ها، کاهش ارزش‌های خانوادگی در رفتار با این قشر جمعیتی، سوق داده شدن اجتماع به سپردن سالمندان در مراکز نگهداری، قسمتی از این مشکلات و معضلات به‌شمار می‌آید. در چنین وضعیتی، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کلان چاره ندارند جز آنکه به حراست و حفاظت از حقوق سالمندان در جامعه خود قیام کنند و برای آن، تدابیری را بیاندیشند.

یکی از این تدابیر، تأمین حقوق سالمندان به صورت شایسته و کامل است؛ حقوقی که تلاش می‌کند تا نیازهای سالمندان را برای یک «زندگی فعال» در حوزه خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و گروهی برآورده سازد و رضایت ایشان را در برخورداری از زندگی شایسته به همراه آورد. حقوق سالمندان، یکی از گرایش‌های «حقوق حمایتی» و زیرمجموعه «حقوق بشر» شناخته می‌شود که هدف آن، حمایت از قشر جمعیتی سالمند به‌شمار می‌آید. حقوق سالمندان، مجموعه‌ای از حق‌های متعددی است که همانند سپر، سالمندان را در مقابل آسیب‌های پیش‌روی آنها نگاه می‌دارد. حق بر کار (منع بازنشستگی اجباری)، حق بر غذا (تغذیه کافی و متناسب با نیاز

سالمند)، حق بر تساوی (منع تبعیض مبتنی بر سن)، حراست در برابر بزه‌دیدگی و حقوق خانوادگی (حراست از آسیب‌های ناشی از ازدواج در دوره سالمندی) از مجموعه حقوقی است که در منظومه حقوق سالمندان می‌گنجد و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (Ghosheh, 2008, p.9). یکی از حقوق سالمندان که دارای اهمیت بسزایی است اما مغفول مانده، حق بر حریم خصوصی (Right to Privacy) می‌باشد. حق بر حریم خصوصی که زیربنای استیفای دیگر حق‌های سالمندان محسوب می‌شود، کمتر مورد توجه مقالات حقوقی قرار گرفته و بدین سبب موضوع اصلی این مقاله را به خود اختصاص داده است. در این نوشتار به صورت جامع به زوایای این حق در زندگی سالمندان و تأثیر آن بر بهره‌مندی از زندگانی بهتر پرداخته می‌شود که البته باید ابتدا اصول حاکم بر حقوق سالمندان را که حق بر حریم خصوصی یکی از مصادیق آن است، بررسی نماییم.

۱. اصول حاکم بر حقوق سالمندان

حق بر حریم خصوصی یکی از حق‌های مندرج در منظومه حقوقی است که باید برای سالمندان به رسمیت شناخت و تاسیس، تفسیر و اجرای این حق باید به صورت هماهنگ با سایر حق‌های دوران سالمندی و در چارچوب اصول حاکم بر حقوق سالمندان باشد. در نظام حقوق سالمندان، اصول راهنمایی وجود دارد که در راستای اجرای بهتر حقوق یادشده به کار گرفته می‌شوند. به بیانی روشن‌تر، کارکرد اصلی اصول راهنمای این است که هرگاه سیاست‌گذار، قانون‌گذار، متصدیان امور قضایی و اجرایی در مقام اجرای حقوق سالمندان باشند، باید به گونه‌ای عمل کنند که این اصول به‌بهترین نحو ممکن، رعایت شوند و اعمال مغایر با آن‌ها، مردود و مغایر با روح حمایتی حاکم بر حقوق سالمندان به‌شمار آید.

این اصول، مستنبط از اعلامیه‌ای است که در سال ۱۹۹۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. اعلامیه «اصول راهنمای سازمان ملل در مورد اشخاص سالمند»،^۱ پنج اصل استقلال، مشارکت‌دهی (Participation)، درمان مناسب (Care)، ارتقای شغلی و زندگی (Opportunity to Remunerated) و خوداتکایی (Self Fulfillment) را کلیدی‌ترین اصولی

1. United Nations Principles for Older Persons, Adopted by General Assembly resolution 46/91 of 16 December 1991 .

می‌داند که نسبت به سالمندان باید رعایت شوند. اصل استقلال، گویای به‌کارگیری تمامی ابزار و امکانات برای بی‌نیاز کردن سالمند از دیگران برای ادامه زندگی شخصی و اجتماعی می‌باشد. اصل مشارکت بیانگر لزوم تمهید سازوکارهای فعال کردن سالمند در فعالیت‌های جمعی و مرتبط با اجتماع است. اصل درمان بر پیشگیری از بروز بیماری‌های مرتبط با دوره سالمندی، درمان به‌هنگام بیماری‌ها و موضوع مهم درمان در منزل تمرکز دارد. اصل ارتقای شغلی و کیفیت زندگی نیز به‌دنبال بالابردن کیفی و کمی وضعیت زندگی سالمند در ابعاد آموزشی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. اصل «خوداتکایی» نیز به معنای داشتن «امکان بالفعل رسانیدن استعدادها» است. اصول یادشده در این سند، توسط دیگر نهادها و مراجع حقوقی همانند کمیسیون حقوق بشر (نهاد ناظر بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی) پیگردشته شد و مورد پردازش بیشتری قرار گرفت.^۱

اصول حاکم بر حقوق سالمندان، منحصر در موارد یادشده در اعلامیه ملل متحد نمی‌باشد و اصول دیگری همانند «کرامت انسانی»، «اصالت خانواده» و «اصل مسئولیت» نیز جایگاه ویژه‌ای در این باره دارند. «کرامت انسانی» در مجموعه حقوق بشر، مبنای اساسی و محوری است. این موضوع در حقوق سالمندان که یکی از گرایش‌های حقوق حمایتی و طبعاً حقوق بشر محسوب می‌شود نیز جریان دارد. کرامت انسانی، انسان را از مرحله جنینی تا دوران پس از مرگ از رفتارهای خلاف شأن حراست می‌کند. از آنجاکه حقوق سالمندان نیز به‌دنبال حفاظت از سالمندان در قبال تحقیر، ارباب، نفرت‌آفرینی، اذیت و آزار می‌باشد (Ghosheh, 2008, p.26/ Burd & Davies, 2013, p.3)، در نتیجه کرامت انسانی در منظومه اصول حاکم بر حقوق سالمندان، جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین از آنجاکه مبنای حقوق حمایتی در گرایش‌های مختلف از قبیل حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها و حقوق معلولان، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در مقابل تبعیض (بر مبنای جنسیت، قومیت، زبان، مذهب و...) می‌باشد، در حقوق سالمندان نیز اصل تساوی و منع تبعیض مبتنی بر سن (Age Discrimination)، مبنای بسیاری از حق‌های سالمندی است. مقابله با تبعیض علیه سالمندان نیز از اقتضانات رعایت کرامت انسانی در خصوص این قشر جمعیتی به‌شمار می‌آید (Blackham, 2016, p.9). تمامی اصولی که در این قسمت به‌عنوان اصول راهنمای حقوق سالمندان معرفی شدند در ابعاد مختلفی با حق بر حریم خصوصی ارتباط پیدا می‌کنند که به هر

1. The Economic, Social and Cultural Rights of Older Persons, General Comment No. 6 (1995).

یک در جای خود، اشاره خواهد شد.

۲. خاستگاه حق بر حریم خصوصی

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده دوازدهم به‌هنگام توجه به خصوصی‌ترین وجه زندگی انسان، همزمان به حق بر حریم خصوصی، زندگی خانوادگی، خانه و ارتباطات او توجه می‌کند. ماده دوازدهم چنین بیان می‌دارد: «زندگانی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت^۱ یا مراسلات کسی نباید در معرض دخالت خود سرانه واقع شود. همچنین به حیثیت و حسن شهرت هیچکس نمی‌توان حمله کرد. هرکس حق دارد در این‌گونه دخالت‌ها یا این‌گونه تجاوزها از پشتیبانی قانون برخوردار باشد». پس از اعلامیه، میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز با ادبیاتی مشابه، عبارات فوق را تکرار کرد. بدین ترتیب بود که حق بر حریم خصوصی به‌عنوان حق محافظ خلوت انسان‌ها پا به‌عرصه حقوق گذاشت. حق بر حریم خصوصی، ابتدا در حقوق بین‌الملل شکل گرفت

۲۷۵

حقوق اسلامی / بررسی ابعاد حق بر حریم خصوصی نسبت به سال‌مندان

و سپس به حقوق داخلی کشورها نفوذ پیدا کرد (Diggelmann, 2014, p.457). به بیان روشن‌تر برخلاف عموم مصادیق حقوق بشر که از محیط حقوق عمومی داخلی نشأت گرفته‌اند و سپس به دغدغه‌ای بین‌المللی و فراملی تبدیل شده‌اند، ظهور حق منقحی با عنوان «حریم خصوصی» ابتدا در محیط حقوق بین‌الملل بشر صورت پذیرفت. این موضوع، نافی آن نیست که نظام‌های حقوقی داخلی در گزاره‌های الزام‌آور خود و پیش از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر از مقررات و هنجارهایی برخوردار بوده‌اند که حریم خصوصی اتباع خود را حراست و پاسبانی می‌کرد.

حق بر حریم خصوصی، حقی است که با انسان متولد و درکنار او باقی می‌ماند؛ در نتیجه با افزایش سن فرد، چیزی از اهمیت آن کاسته نمی‌شود بلکه در برخی ابعاد و حالات آن، تغییراتی به‌وجود می‌آید (McChrystal, 2012, p.22). زندگی خصوصی یک فرد، شامل حیطه وسیعی از موضوعاتی همانند انتخاب‌های شخصی، روابط، تفریحات، موارد تأمین‌کننده رفاه ذهنی، دسترسی به اطلاعات شخصی و کنترل ارتباطات است و در تمامی این موارد، حریمی وجود دارد تا او را از حرکت براساس میل و توان خود بازدارد (Matthews, 2009, p.18). به عبارت دیگر، حق بر حریم خصوصی، چتری است که برای استیفای دیگر حقوق بشری گسترانیده می‌شود تا بتوان به‌صورت

۱. گاهی از حق بر حریم خصوصی به‌عنوان حق محافظت از خانه^۱ نیز یاد می‌شود؛ دلیل اصلی این نام‌گذاری را باید در نحوه تولد این حق توسط اعلامیه جهانی دانست (Diggelmann, 2014, p. 485).

شایسته آنها را بدست آورد؛ حقوقی همانند حقوق خانوادگی، حق بر دسترسی به اطلاعات و حق آزادی رفت و آمد (Frenkel, 2015, p.442). در تحولات تاریخی، «استقلال عمل» در میان ابعاد حق بر حریم خصوصی، وجهه بیشتری یافت (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۲-۳)؛ به گونه‌ای که در حال حاضر حق بر حریم خصوصی به دنبال تضمین استقلال فرد در خصوص امور شخصی خود و فارغ از مداخلات دیگران است.

در زمینه مبنای حق بر حریم خصوصی، اختلاف نظر وجود دارد. برخی این حق را حق جداکننده فضای فردی از اجتماعی (Privacy as Freedom from Society) تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را عامل جلوگیری‌کننده از تحقیر و خوارشدن فرد و تأمین کرامت انسانی (Privacy as Dignity) می‌دانند (Frenkel, 2015, p.442). در هر دو مبنای، این حق بر حفظ استقلال تصمیم‌گیری در زندگی خصوصی متمرکز شده است تا فرد بتواند با اختیار خود در آنها تصمیم بگیرد (Jørgensen, 2016, p.166). در اعلامیه سازمان ملل، ذیل اصل استقلال نیز چنین آمده است: «افراد سالمند بایستی بتوانند از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در زمان اقامت در مراکز نگهداری و درمانی بهره‌مند شوند؛ این بهره‌مندی شامل بهره‌مندی از احترام کامل به کرامت انسانی، نیازها، حق خلوت و احترام کامل به حق تصمیم‌گیری در مورد مراقبت و کیفیت زندگانی خود می‌شود».

حق بر حریم خصوصی در ابتدای شکل‌گیری به دنبال حراست از زندگی خانوادگی و فضای خلوت درون خانه شکل گرفت و بعد دامنه آن، به برخی موضوعات دیگر توسعه یافت. نقض حریم خصوصی فراتر از آگاهی دیگران از موضوعات شخصی یا اثرگذاری بر آنهاست. نقض حریم خصوصی زمانی مردود و مقبوح است که حقی که مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است، بدون آگاهی و اطلاع صاحب حق، نقض و بدون رضایت او، ادامه پیدا کند (Marmor, 2015, p.4)؛ از این رو نمی‌توان به صرف ادعای هواخواهی و رعایت مصلحت یک فرد بالغ، در حریم خصوصی او دخالت کرد و از اهمیت رضایت او و میزان خوشایندی این مداخله کاست. سخن بر سر اینکه چه موضوعی، شخصی به‌شمار می‌آید و محدوده حریم خصوصی تا چه میزان پذیرفتنی است، نیازمند بحث تفصیلی‌تری می‌باشد که بررسی آن، نیاز به نوشتاری مبسوط دیگری دارد. علاوه بر این، معیار تشخیص حریم خصوصی در هر جامعه‌ای به مفاهیم عرفی و فرهنگی آن جامعه وابسته است (مشهدی و محمدلو، ۱۳۹۵، ص ۱۳۶)؛ از این رو مفهوم حریم خصوصی در جوامع مختلف،

ممکن است با مصادیق متفاوتی روبرو شود.

حق بر حریم خصوصی برای دفاع از موارد متنوعی نقش ایفا می‌کند، در نتیجه موارد نقض آن نیز دارای تنوع شکلی است (Marmor, 2015, pp.25-26). سالمندان به صورت عمده با سه محیط، بیشترین ارتباط را دارند. این سه محیط عبارتند از خانواده، مراکز درمانی و مراکز نگهداری (خانه‌های سالمندان). در نتیجه نوشتار پیش‌رو، اصل حریم خصوصی در این سه محیط را مورد بررسی قرار می‌دهد و در پایان موضوعاتی همانند نقش فناوری‌های ارتباطی و مرگ به اختیار در زندگی خصوصی سالمند را ارزیابی می‌کند.

۳. حق بر حفظ حریم خصوصی سالمندان در مراکز درمانی

مراکز درمانی به‌عنوان محیطی که دوران بیماری و نقاهت سالمندان در آن گذران می‌شود، اهمیت فراوانی در سلامتی جسم و روح ایشان دارد. در بیمارستان‌ها و سایر مراکزی که به‌عنوان مکانی برای درمان سالمندان استفاده می‌شود، همواره بیمار در کنار دیگران در حال استراحت و مداواست. در نتیجه گریزی نیست از اینکه بخشی از حق بر خلوت او و دیگران با یک دیگر آمیخته و خنثی شود. با وجود این، وجوه دیگری از رعایت حریم خصوصی در این مکان‌ها اهمیت می‌یابد. مهم‌ترین مراد صاحب‌نظران حقوقی از حریم خصوصی در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، رعایت اصل محرمانگی اطلاعات پزشکی است (Frenkel, 2015, p.286). آثار زیر در رعایت یا نقض اصل محرمانگی جریان می‌یابد:

الف) در مورد بیمارانی که وضعیت وخیم جسمی دارند و مرگ در زمان نزدیک برای آنها از منظر پزشکی انتظار می‌رود، آگاهی دیگران بدون کسب رضایت و اجازه سالمند، امکان ایراد فشار بر او در وصیت کردن و سایر موارد مشابه را به همراه می‌آورد.

ب) در مورد فوق، سوء استفاده کارفرما برای اخراج کارگر سالمند از کار یا فشار بانک‌ها برای دریافت پیش از موعد وام یا کاهش تمایل بیمه‌گران به ارائه خدمات (به ویژه خدمات ارزان قیمت) نیز امکان وقوع می‌یابد.

پ) به صورت کلی تصور کلیشه‌ای جامعه از سالمندان، فشار روانی فراوانی را بر این قشر جمعیتی وارد می‌کند. تصور کلیشه‌ای یعنی اینکه سالمندان به‌عنوان طبقه‌ای شناخته می‌شوند با سطح سلامت پایین، سطح خلاقیت کم، روحیه ضعیف، عدم انعطاف و ناخوش احوالی جسمی (Coals, et al., 2006, p.9/ CSHK Report, 2016, p.3/ McCann, 2003, p.1/)

(Islam, 2016, pp.96 & 101-103). افشای اطلاعات پزشکی می‌تواند بر ذهنیت عمومی

در مورد یک سالمند، فشار مضاعفی را تولید کند.

در نتیجه افشای اطلاعات پزشکی (Medical Records)، فرصتهای استخدامی و بیمه‌ای و درمانی سالمند را تحت الشعاع آثار منفی قرار می‌دهد یا هزینه آن را بالا می‌برد. آنچه که در اصل محرمانگی مد نظر است، عدم دسترسی غیر صحیح (Improper Access to and Use of Medical Records) به اطلاعات پزشکی سالمند می‌باشد و الا افراد نزدیک به او برای مراقبت و همدردی باید از وضعیت پزشکی سالمند اطلاع داشته باشند، مشروط به رضایت سالمند و عدم آسیب دیدن او (McChrystal, 2012, pp.23-24).

حق بر حریم خصوصی در امر پزشکی، یک حق مطلق نیست؛ در نتیجه اصل محرمانگی در حوزه پزشکی سالمندان، در سه مورد زیر امکان نقض می‌یابد: نخست آنکه سالمند خود قبول کند که اطلاعات پزشکی برای دیگران منتشر و علنی شود. دوم آنکه حکم قانون (یا معاهده‌ای بین‌المللی) چنین اقتضایی را به همراه داشته باشد و آخر اینکه نفع عمومی ایجاب کند که اطلاعات یاد شده در دسترس دیگران قرار گیرد (مانند بیماری‌های واگیردار). هر چند که خود او رضایت نداشته باشد (Frenkel, 2015, p.288). وظیفه قانون‌گذار و مجری قانون آن است که در غیر از استثنائات گفته شده، در برابر نقض این اصل به بهانه‌های مختلف ایستادگی کند؛ زیرا که مهم‌ترین ثمره رعایت محرمانگی اطلاعات پزشکی سالمندان، تأمین آرامش روانی آنان در زندگی خصوصی و اجتماعی آنها می‌باشد. از آنجاکه آرامش روانی سالمند بر سلامت جسمانی او اثری مستقیم دارد، فراهم آوردن ابزارهای حقوقی در پاسداری از آن، یکی از رسالت‌های حق بر حریم خصوصی سالمند است.

۴. حق بر حفظ حریم خصوصی سالمندان در مراکز نگهداری

بخش قابل توجهی از حقوق سالمندان، معطوف به جریان زندگی سالخوردگان در مراکز نگهداری شبانه‌روزی و روزانه است. سالمندانی که در این مراکز، نگهداری می‌شوند عمدتاً از لحاظ جسمی و روحی، آسیب‌پذیر می‌باشند. در نتیجه باید تلاش و افری برای ایجاد محیطی خوشایند سالمندان، مبدول داشت. در زمینه ارتباط مراکز یاد شده با حریم خصوصی سالمندان نکات زیر، باید رعایت گردد:

الف) در مراکز نگهداری، باتوجه به افراد حضور افراد متنوع در یک مکان، حق جدیدی با عنوان «حق بر رفتار مبتنی بر حریم خصوصی» (The Right to Treatment Privacy) ظهور و بروز یافته است. براساس این حق، مسئولان مراکز با هر فردی مطابق ویژگی‌های شخصیتی - فرهنگی و عقاید مذهبی او باید رفتار کنند و رفتار کلیشه‌ای و یکسان در مورد همگان، قابل پذیرش نمی‌باشد (McChrystal, 2012, p.24). به بیانی روشن، مدیران و کارکنان مراکز یادشده نمی‌توانند نسبت به همه سالمندان مقیم به شیوه‌ای یکسان و بدون توجه به خصوصیات خاص هر سالمند برخورد کنند و این حق هر سالمند است که اهداف، علایق و بخشی از زندگی خصوصی پیشین خود را در این محیط ادامه دهد. این موضوع، در زمانی که با ضوابط انتظام‌بخش مراکز نگهداری دچار تعارض شود، به صورت معقول و منطقی و بدون تبعیض ناروا، قابل تعدیل است.

ب) امور شخصی سالمند همانند استحمام و تعویض لباس، بخش مهمی از حریم خصوصی سالمند را تشکیل می‌دهد. در نتیجه در این موارد، عمل طبق خواسته او بسیار مهم ارزیابی می‌شود. نقض حریم خصوصی سالمند در حمام و سرویس بهداشتی به بهانه‌های واهی، مورد تقبیح عموم صاحب‌نظران حقوق سالمندان می‌باشد (Matthews, 2009, p.23). هرچند این موضوع در ظاهر، دغدغه پیش‌یافتاده‌ای را به‌نمایش می‌گذارد، با گسترش جمعیت سالمند و قرار گرفتن جمعیت قابل توجهی از یک جامعه در مراکز نگهداری، این مسأله به صورت معضلی انسانی تغییر شکل می‌دهد.

پ) باتوجه به اینکه تمامی ارتباطات سالمند با محیط خارج از مرکز نگهداری در کنترل مدیران و مسئولان این مراکز است، حفظ محرمانگی ارتباطات سالمند از طریق نامه، ایمیل، تلفن و دیگر وسایل جمعی نیز برعهده آنان است. (McChrystal, 2012, p.23). تمایل عمومی مدیران به نظارت و دخالت حداکثری در این باره‌ها می‌باشد. در نتیجه این وظیفه ناظران صلاحیت‌دار است که از حریم خصوصی سالمندان به‌شیوه‌ای شایسته در برابر اقتدارگرایی مدیران و مسئولان مراکز پاسبانی کنند.

ت) بازدید از سالمندان در مراکز نگهداری و رفت‌وآمدهای ایشان همواره در نظارت مسئولان می‌باشد. این نظارت باید در چارچوب ضوابطی باشد که فقط در حد ضرورت، استقلال عمل سالمندان را تحت کنترل درآورد. افراط در نظارت یادشده، نقض استقلال عمل سالمندان در امور شخصی به حساب می‌آید.

ث) حق دیگر محترم در این حوزه، حقوق ناشی از زندگی زناشویی است. حق بر خلوت زناشویانه (Marital Privacy) برای برخورداری از اتاق مشترک یا زمان مشترک (مگر در موارد استثنایی موجه) برای سالمندان و همسران ایشان نیز از مصادیق حریم خصوصی در مراکز نگهداری می‌باشد (McChrystal, 2012, p.25). اصل اصالت خانواده در مجموعه حقوق سالمندان این مفهوم را القا می‌کند که زندگی خانوادگی سالمند نباید با سپردن سالمند به مراکز نگهداری قطع یا مختل شود. آرامش منبعث از روابط خانوادگی و زناشویانه سالمند، در حفظ حس ارزشمندی او و بقای کارکرد قوای جسمانی و روانی او مؤثر است. در نتیجه، مداخلات انتظام‌بخش باید در جهت تشویق به حضور بیشتر خانواده سالمند در محیط مراکز نگهداری باشد. اهتمام کلی تصمیم‌گیری‌های کلان و قانون‌گذاری نیز باید در جهت استواری روزافزون بنیان‌های خانواده حتی در صورت سپرده‌شدن یکی از والدین به مراکز نگهداری باشد. اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تأکید ویژه‌ای بر حفاظت از نهاد مقدس خانواده می‌کند و چنین مقرر می‌دارد: «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

ج) عمدتاً سالمند در مراکز نگهداری در کنار دیگر سالمندان، زندگی می‌کنند و مراقبت می‌شوند. در نتیجه در جایی به‌صورت جمعی زندگی می‌کنند، بیان اسرار پزشکی در حضور دیگران، نقض اصل محرمانگی و حریم خصوصی سالمند به حساب می‌آید (Matthews, 2009, p.23).

چ) نقض هر یک از موارد فوق، اگر با رفتار ناپسندی نیز به‌همراه باشد، این رفتار با منع حقوقی رفتارهای تزدیلی و خوارکننده (Prohibition on Inhuman or Degrading Treatment) به‌عنوان یکی از اصول حقوق بشر نیز روبه‌رو خواهد شد (Matthews, 2009, p.23). رفتارهای تزدیلی منجر به تشدید حس ناراحتی ناشی از نقض حریم و زندگی خصوصی سالمند می‌شود و شرایط بقای سالمند در مراکز نگهداری را با دشواری روانی فراوانی روبه‌رو می‌سازد.

۵. حق بر حفظ حریم خصوصی سالمندان در خانواده

آشکارترین محیطی که حریم خصوصی در آن تجلی می‌یابد، خانه و خانواده است. خانه،

محل امنی است که فرد، فارغ از اطلاع و نظارت دیگران، زندگی خصوصی خود را سامان می‌بخشد و دیگران را در پشت دیوارهای امن آن، بازمی‌ایستاند. این خانه است که خانواده را احاطه می‌کند و محیط گرم زندگی خانوادگی را رنگ و بوی بیشتری می‌بخشد؛ از این روست که خانه و خانواده، خط قرمز نقض حریم خصوصی است و تمامی نظام‌های حقوقی در راستای حراست از مداخله اشخاص عمومی یا خصوصی، از آن پاسبانی کرده‌اند.

با وجود اهمیت محیط خانواده و خانه، نمی‌توان مصونیت آنها از مداخله را به صورت مطلق پذیرفت. با این بیان که حقوق سالمندان به دنبال حراست از قشر آسیب‌پذیر بروز و ظهور یافته است. سالمندان به‌ویژه سالمندانی که توان جسمی و روحی پایینی دارند، همانند کودکان خردسال، توانایی دفاع از خود و ایستادگی بر سر خواسته‌های شخصی را ندارند. آنچه که بر وخامت وضع می‌افزاید این است که مراقبان سالمندان به دلیل رفتارهای تند، صبر کم و ظاهر چروکیده آنان، مدارای کمتری از خود نشان می‌دهند؛ درحالی‌که مراقبان کودکان خردسال با ویژگی‌های یادشده روبه‌رو نمی‌شوند و از خود، مدارای بیشتری را نشان می‌دهند. در نتیجه آسیب‌پذیری سالمندان همپا یا بیش از میزان آسیب‌پذیری کودکان است.

در جامعه‌ای که با پدیده سالمندی مواجه است، تکلیف چیست و دولت تا چه میزان از حریم خصوصی را باید رعایت کند؟ به نظر می‌رسد تکلیف دولت در این خصوص در دو ساحت رسمی و غیر رسمی قابل تبیین است. در ساحت غیر رسمی، دولت و حاکمیت مکلف‌اند تا با فرهنگ‌سازی و تقویت فرهنگ عمومی، زمینه لازم برای رفتار مناسب با سالمندان را در افراد جامعه، نهادینه سازند. اما کار در این جا پایان نمی‌پذیرد. به دلایل یادشده، میزان مدارا با سالمندان روز به روز در حال کاهش است و به همین میزان، آسیب‌های اجتماعی علیه آنان در حال افزایش است. سوء رفتارهای جسمی، عاطفی و عاطفی در کنار استعمار اقتصادی فرد سالمند به راحتی در محیط خانه امکان دارد به وقوع بپیوندد. در نتیجه قانون‌گذار برای رعایت مصلحت مهم‌تری به نام حراست از قشر آسیب‌پذیر سالمند، وادار می‌شود مجریان را به نقض حریم خصوصی خانه و خانواده مکلف سازد تا سالمندان را از شر رفتارهای ناخوشایند حفاظت کند (حبیب‌نژاد و تسخیری، ۱۳۹۶، ص ۲۴). در نتیجه در این موارد بر حق بر حریم خصوصی برای رعایت اهداف اصلی حقوق سالمندان، محدودیت‌های وارد می‌شود.

محیط خانه و خانواده را نباید با مراکز درمانی و نگهداری یکسان دانست. سالمند نسبت به

اعضای خانواده خود، دارای احساسات قوی است و اگر از ایشان آسیبی ببیند، تلاش می‌کند تا آن را مخفی سازد؛ زیرا که افشای آن و شکایت از نزدیکان، فشار مضاعفی را بر سالمند وارد می‌کند. فشار اولیه این است که یکی از عزیزان خود را در معرض مجازات قرار داده است. دوم اینکه در بسیاری از موارد، مرتکبین سوء رفتار همان مراقبان سالمند هستند و مجازات آن‌ها، سالمند را از فردی که از او مراقبت کند، بی‌بهره می‌سازد (یفتیس، ۱۳۸۴، ص ۳۳۷). انکار، شرم، خودمقصرپنداری در نداشتن صلاحیت کافی برای تربیت فرزندان و نوادگان، موارد دیگری است که مانع گزارش دادن سالمند به مقامات ناظر و ذی‌صلاح می‌شود (فیشر، ۱۳۹۳، ص ۴۹۵). دلیل دیگر تفاوت خانه و مراکز در این است که خانه، محیطی سر بسته است و امکان نفوذ به آن، جز با قدرت حقوقی کافی میسر نمی‌شود. اما مراکز یادشده به دلیل افراد شاغل در آن، محیطی با امکان انتشار اخبار ناخوشایند و سوء رفتارها علیه سالمندان هستند. بنابر این ادله، سیاست‌گذار و قانون‌گذار چاره‌ای جز تمهید سازوکارهای نظارتی بر این محیط امن ندارند.

منع قطع ارتباطات با دیگران، منع محبوس‌سازی فیزیکی، مقابله با تهدید به افشای اسرار، مجازات دسترسی بدون رضایت به اطلاعات شخصی و انتقال اجباری از منزل به مراکز نگهداری، بخشی از حقوق سالمندان بر حریم خصوصی به حساب می‌آید که باید مورد تضمین حقوقی قرار گیرند. علاوه بر این، استقلال سالمند در استفاده از امکانات شخصی به‌ویژه اموال و دارایی‌ها، داشتن ارتباطات پیشین شغلی و خانوادگی و مسأله اختیار در ازدواج کردن، از مصادیق رعایت حریم خصوصی سالمندان است. برآمد کلام اینکه حریم خصوصی سالمندان، بسیار با اهمیت است اما دولت برای تضمین آن، ناگزیر است که تعریف نسبی از حریم خصوصی را نسبت به محیط خانه و خانوادگی سالمندان بپذیرد.

۶. حق بر حفظ حریم خصوصی سالمندان در فناوری ارتباطات

فناوری به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی، نوع و شکل حریم خصوصی را دچار تحول کرده است، به‌گونه‌ای که گویی حریم خصوصی در عصر فناوری‌های نوین ارتباطی و پیش از آن، تعریف متفاوت پیدا کرده. مهم‌ترین تفاوت را باید در این دانست که پیش از ظهور فناوری‌های یادشده، دولت‌ها دارای قدرت بیشتری در حراست از این حق بودند اما با ظهور این فناوری‌ها، دولت‌ها حتی در حفاظت از اطلاعات مهم و محرمانه خود نیز دچار چالش شده‌اند (Schulhofer, 2016).

p.4). نظارت و کنترل بر حریم خصوصی شخصی در دوره شکوفایی فناوری‌های ارتباطی به سختی صورت می‌پذیرد.

با گسترش فناوری‌های ارتباطی به‌ویژه خدمات برخط (آنلاین)، افراد در گوشه و کنار فضای مجازی، اطلاعاتی را به‌صورت پراکنده از خود به‌جای می‌گذارند. در همین زمان نیز افراد نامشهودی وجود دارند که با جمع‌آوری این اطلاعات، امکان آنالیز و در نهایت استفاده اقتصادی از آنها را یافته‌اند. از این رو، حق جدیدی در حقوق به‌ویژه حقوق بشر شکل گرفته است به‌نام حق بر حفظ اطلاعات شخصی (Right to Personal Data Protection) (Fuster, 2014, p.268). میان حق حریم خصوصی و حفظ اطلاعات شخصی، ارتباط مستقیمی است و فناوری‌های نوین، دولت‌ها و افراد را در استیفای هر دو تضعیف کرده‌اند (Fuster, 2014, pp.277-278). هر میزان که اطلاعات شخصی یک فرد، قابلیت کنترل و حراست بیشتری داشته باشد، حریم خصوصی او نیز در هاله‌ای از امنیت قرار می‌گیرد و هر میزان که دسترسی دیگران به اطلاعات شخصی بدون رضایت یا رعایت چارچوب‌های حقوقی میسر باشد، نقض حریم خصوصی نیز شدت می‌یابد.

همان‌طور که پیشتر بیان شد، تمرکز اصلی حق بر حریم خصوصی بر موضوع «استقلال در کنترل» امور خصوصی زندگی است (Jørgensen, 2016, p.166). روند یادشده در حوزه فناوری، عملاً اختیار افراد را در کنترل افشای اطلاعات خصوصی خود، از دست آنها گرفته است. ارائه‌کنندگان خدمات برخط (فروشنندگان اینترنتی) و همچنین دارندگان موتورهای جست‌وجوگرهای اینترنتی، با توجه به اطلاعاتی همانند نوع کالاهای خریداری شده، اطلاعات جست‌وجو شده و مشخصات فردی تکمیل شده در پروفایل‌های شخصی می‌توانند دریابند که یک گروه جمعیتی چه نیازها و علایقی دارند و براساس آن، تصمیم‌گیری کنند (فتحی و شاهمرادی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۹-۲۴۱)؛ برای مثال سالمندانی که از طریق اینترنت، دارو یا وسایل مرتبط با دوره سالمندی را خریداری می‌کنند، نه‌تنها اطلاعات مرتبط با سلیق و نیازهای خود را در اختیار افراد فوق قرار می‌دهند، بلکه گاهی ناخواسته عامل تبلیغ یا انتقال تبلیغ کالای خاصی به دیگر افراد هم‌سن می‌شود که این نوعی سوءاستفاده فناوری از حریم خصوصی آنها به‌حساب می‌آید. از این منظر، سالمندان، مصرف‌کننده آسیب‌پذیر (Vulnerable Consumers) به‌شمار می‌آیند (McChrystal, 2012, pp.22-24). در مواردی که از فناوری ارتباطات برای فهم نیازهای یک گروه

جمعیتی، نوع زندگی و نوع تمایلات آنها استفاده می‌شود و این اطلاعات، بدون علم یا رضایت آنها در اختیار دیگران قرار می‌گیرد، درحقیقت حریم خصوصی گروهی یا جمعی، در حال نقض است (Floridi, 2014, p.1). دیوان اروپایی دادگستری در آرای مرتبط با سوءرفتار جست‌وجوگرهای اینترنتی در نقض حریم خصوصی افراد، مسئولیت را برعهده مدیران این سایت‌ها گذاشته است.^۱ مبنای فناوری‌هایی همانند اینترنت بر شبکه‌ای و عمومی بودن است؛ ازاین‌رو موارد روندهای شکل‌گرفته در بستر آن‌ها، بر حریم خصوصی افراد فشار می‌آورند (Jørgensen, 2016, p.166). ازسوی دیگر همین فناوری‌ها موجبات راحتی زندگی سالمندان را نیز فراهم آورده‌اند؛ برای مثال کالاهای نمایشگر مکان که از فناوری GPS استفاده می‌کنند، ترس از گم‌شدن سالمند دارای

۱. شاخص‌ترین پرونده‌های دیوان اروپایی دادگستری در این باره عبارتند از:

الف) پرونده گوگل اسپانیا

فردی اسپانیایی با این ادعا که با به صرف تایپ اسم او در موتور جست‌وجوگر گوگل، اطلاعاتی برای همگان پدیدار می‌شود که برای او نامطلوب است، علیه شرکت گوگل و شعبه اسپانیایی آن، طرح دعوا می‌کند. دیوان با اذعان به اینکه انتشار عمومی اطلاعات هم برای سود اقتصادی گوگل و هم برای حق دسترسی همگان به اطلاعات، مفید می‌باشد، اما صرف اهداف اقتصادی را توجیه‌کننده نقض حقوق بشر نمی‌داند، در نتیجه شرکت یادشده را متعهد به حذف اطلاعات مورد ادعای شاکی، اعلام می‌کند و هدف خود را از این حکم، تعادل میان منافع اقتصادی و حقوق بنیادین بشر، می‌داند. دیوان، موتورهای جست‌وجوگر را کنترل‌کننده اطلاعات افراد معرفی می‌کند و از همین‌رو موتورهای جست‌وجوگر فعال در اتحادیه را مکلف به حفاظت از اطلاعات شخصی افراد می‌کند و این تکلیف را نسبت به موتورهایی که سرور اصلی آنها خارج از اتحادیه است نیز تسری می‌دهد به شرطی که شعبه یا شرکت فرعی آن موتور در یکی از کشورهای عضو اتحادیه، مشغول به فعالیت باشد (Case C- 131/12, Google Spain SL and Google Inc. v Agencia Española de Protección de Datos (AEPD) and Mario Costeja González (2014).

ب) پرونده حقوق دیجیتال ایرلند

پس از صدور دستورالعمل اتحادیه در مورد حفاظت از اطلاعات، دولت ایرلند اقدام به تصویب قانونی می‌کند که ضمن توجه به ملاحظات اقتصادی، اجازه دسترسی فراوانی را به دولت برای نظارت بر داده‌های دیجیتالی می‌داد. این اجازه‌ها منجر به نقض حق بر حریم خصوصی و حق بر حفاظت اطلاعات شخص می‌گردید. دیوان در این پرونده با درک خطر تروریسم سازمان‌یافته و اینکه دولت‌ها در زمینه دسترسی به اطلاعات، دارای اختیارات معقولی هستند، دستورالعمل اتحادیه را به دلیل ابهام در حدود اختیارات دولت‌ها، عدم تعریف استثنائات و محدودیت‌ها و عدم تفاوت گذاشتن میان شرایط مختلف، غیرقابل قبول ارزیابی می‌کند. به عبارت دیگر میزان اختیارات دولت‌ها به موجب این دستورالعمل، با نیاز واقعی آنها تناسب ندارد و اختیارات یادشده به صورت گزاف بیش از نیاز آن‌هاست (Joined Cases C- 293/12 and C- 594/12, Digital Rights Ireland Ltd v Minister for Communications, Marine and Natural Resources and Others and Kärntner Landesregierung and Others (2014).

آزایمر را از بین برده‌اند. به عبارت دیگر با وصل کردن وسایل دارای مکان‌یاب به کفش یا ساعت سالمند، امکان گردش آزادانه برای او و زوال ترس از گم‌شدن برای اطرافیان سالمند فراهم می‌شود (Schulhofer, 2016, p.5). هرچند که می‌توان تصور کرد که سالمندان از این‌که همواره در رصد اطرافیان باشند، احساس خوشایندی نداشته باشند. در این صورت باید با توجه به عدم آسیب‌دیدن جدی سالمند، شرایط را مطابق با رضایت و خوشایندی روحی او تغییر داد.

۷. مرگ به اختیار

سالمندان در سال‌های پایانی عمر خویش، از بیماری‌های فراوانی رنج می‌برند که برخی از آن‌ها، دردناک و جانکاه است. برخی بر این اعتقادند که اقتضای رعایت حریم خصوصی به‌ویژه حفظ کنترل و استقلال عمل سالمند، دادن اختیار به او برای پایان دادن به زندگی خود است. مسأله‌ای که از آن به‌عنوان «پایان خوب» (Good End / Good Death) یاد می‌کنند (Chamberlain, 2009, pp.63 & 75). در نظر اینان، حق بر حریم خصوصی، بر مدار استقلال سالمند در تصمیم‌گیری‌های خصوصی افراد می‌چرخد. هر فرد از حق بر انتخاب نوع درمان و مداوای خود برخوردار است. حال اگر فرد سالمند نخواهد مداوا شود یا اینکه مداوای آن معلق شود تا بمیرد، نباید با نقض اختیار و استقلال عمل او مانع از به سرانجام رسیدن اراده نهایی او شد (Chamberlain, 2009, pp.74-75). به بیان روشن‌تر این گروه کوشیده‌اند تا بر مبنای حق بر حریم خصوصی که اختیار و استقلال عمل، محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد، حق بر مرگ به اختیار را در خصوص سالمندان به اثبات رسانند.

تلاش‌های علمی برای اثبات حق سالمندان رنجور از زندگی توأم با بیماری در این مرحله متوقف نمی‌شود. به بیان دیگر، نویسندگان حقوقی و غیرحقوقی تلاش کرده‌اند نه تنها سالمند را برخوردار از حق بر انتخاب مرگ معرفی کنند، بلکه دخالت پزشکی به روش‌های مختلف برای کمک به ایشان را نیز مطلوب برای سالمندان دانسته‌اند (Fleming, Farquhar, Brayne, & Barclay, 2016, pp.6 & 21/ Chamberlain, 2009, p.73).

در پاسخ به ادعای اثبات حق بر مرگ برای سالمندان باید به چند نکته توجه کرد: نخست اینکه استدلال‌های یادشده در این مورد، برای خودکشی در سایر موارد نیز قابل تسری است؛ زیرا بر اصل استقلال عمل و کنترل بر حیات آدمی استوار است. اتفاقاتی همانند مرگ همسر یا فرزند و

شکست‌های مالی نیز مواردی است که می‌تواند محملی باشد تا سالمند با استناد به آنها به فکر پایان بخشیدن به زندگی خود بیفتد (Arpaci, 2013, p.218). دوم اینکه احساس درد ناشی از بیماری یا فشار روحی نمی‌تواند محمل کافی برای پایان دادن به زندگی یک انسان باشد. این موضوع اختصاصی به دوره سالمندی ندارد و برای هر فرد در هر دوره از عمر او قابلیت به‌وقوع پیوستن دارد. سوم اینکه پذیرش مرگ با اختیار با ارزش‌های اخلاقی، اصول دینی و اصل کرامت بشر متضاد است (هلالی، ۲۰۰۲، ص ۷۴-۷۵). قتل از روی ترحم (اتانازی) در قالب مستقیم (مباشرت پزشک در قتل) یا غیرمستقیم (امتناع پزشک از درمان یا تلقین شیوه خودکشی به بیمار) مردود و از منظر فقهی، قتل به‌شمار می‌آید (صادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲-۱۱۴) افزایش عمر انسان منجر به کاهش ارزش جان او نمی‌شود بلکه حیات، امانت و هدیه‌ای الهی است که دهنده‌ی آن، حق و توانایی بازپس‌گیری را در اختیار دارد؛ از این رو به‌جای ترویج و توجیه مرگ به اختیار، با آموزش‌های بین‌نسلی و تقویت کادر پزشکی می‌توان ضمن ارتقای روحیه سالمندان برای ادامه مسیر زندگی، تا آنجا که ممکن است باید درد و رنج روحی و جسمی ایشان را کاهش داد.^۱

نتیجه

همان‌گونه که پیشتر آمد، حق بر حریم خصوصی در زندگی سالمند اهمیت فراوانی دارد و بیشترین جلوه این موضوع را می‌توان در ارتباط سالمند با مراکز درمانی، مراکز نگهداری شبانه‌روزی و خانواده یافت. حق بر حریم خصوصی به‌دنبال تأمین استقلال عمل سالمندان در مقام تصمیم‌گیری‌های شخصی و مصونیت از مداخله ناموجه دیگران است. لزوم رعایت اصل محرمانگی در مراکز درمانی، لزوم «رفتار مبتنی بر حریم خصوصی» در مراکز نگهداری و اعتقاد به حریم نسبی خصوصی در خصوص در خصوص در محیط خانه‌های شخصی، سه محور اصلی این موضوع را به خود اختصاص می‌دهد. به‌دلیل بسته‌بودن فضای مراکز یادشده و محیط خانه، و امکان قطع

۱. تلاش برای یافتن پرونده‌ای قضایی در خصوص اختیار دادن به بیماران سالمند برای پایان دادن به حیات از طریق مرگ به اختیار به نتیجه خاصی نرسید اما رأی در دیوان عالی آمریکا وجود دارد که گویای پذیرش «حق بر نپذیرفتن» درمان در سالمندان است که بیشتر قابل استناد برای استنباط «حق بر انتخاب درمان» می‌باشد.
Cruzan v. Director, MDH, 497 U.S. 261 (1990), Cruzan by Cruzan v. Director, Missouri Department of Health, No. 88-1503, Argued Dec. 6, 1989, Decided June 25, 1990, 497 U.S. 261.

دسترسی سالمند به فضای بیرونی، برای جلوگیری از ایجاد محیط آسیب‌زا برای سالمندان، دولت مکلف به پذیرش تعریفی نسبی از حریم خصوصی مکان‌های بسته، خانه و خانواده را است تا با ایجاد امکان نظارت به آنچه که در آنها اتفاق می‌افتد، از سالمندان مستقر در آنها حراست کند. همچنین حق بر حریم خصوصی و حراست از استقلال عمل سالمندان اقتضا می‌کند که استفاده از فناوری‌های نوین جهت نظارت بر احوال سالمند و مکان‌یابی او، تا حدی اجازه داده شود که شرایط ناخوشایندی را برای سلامت روحی او فراهم نیاورد.

علاوه بر ابعاد فوق که گویای لزوم احترام و حراست از حریم خصوصی سالمند است، موارد دیگری وجود دارد که حریم خصوصی و استقلال عمل سالمند را محدود می‌سازد. به دلیل حضور سالمند در کنار دیگران، حریم خصوصی او در مراکز نگهداری و درمانی تا جایی محترم شمرده می‌شود که با حقوق دیگران به تعارض نرسد. همچنین نمی‌توان با استمساک به احترام به استقلال سالمندان در تصمیم‌گیری‌های شخصی، حق بر انتخاب مرگ به‌اختیار را برای او قائل شد زیرا مغایر با فلسفه حقوق سالمندان و کرامت انسانی است.

هرچند دولت در معنای عام مکلف است تا با تمهید سازوکارهای نظارتی رسمی و غیررسمی جامع، حراست از حقوق سالمندان همانند حق بر حریم خصوصی را فراهم آورد، این موضوع به‌تنهایی کفایت نمی‌کند. آنچه که حلقه فعالیت‌های دولت در این باره را تکمیل می‌کند، مسأله آموزش به‌ویژه آموزش بین‌نسلی است. آموزش کادر درمانی و پزشکی و نیروهای فعال در مراکز نگهداری سالمندان، آموزش عمومی مردمان یک جامعه نسبت به فرهنگ مدارا و مراقبت در خصوص سالمندان و آموزش سالمندان به چگونگی برخورد با دیگران، می‌تواند به‌عنوان اقدامات تکمیلی در این خصوص مورد اشاره قرار گیرد. آموزش بین‌نسلی، به سالمند می‌آموزد که چگونه با دیگران به‌ویژه نسل جوان رفتار کنند و به جوان‌ترها یاد می‌دهد که نسبت به سالمندان با کدامین الگوی رفتاری، تعامل داشته باشند. آموزش در خصوص رعایت حقوق سالمندان، هرچند اثر خود را در بلندمدت نشان می‌دهد اما این اثر به‌مراتب عمق و قدرت بیشتری از سازوکارهای رسمی و نظارتی خواهد داشت.

اقتضای پاسخ به نیازهای جامعه سالمند، وجود حمایت و حراست شایسته و بایسته از حقوق سالمندان می‌باشد. فلسفه اصلی ایجاد «حقوق سالمندان» بر همین مبنا استوار است که شرایط جامعه سالمند از جامعه جوان متفاوت می‌باشد و حقوق سالمندان باید حمایت از این قشر

جمعیتی را متکفل شود. شریعت اسلامی به‌عنوان منبع اصلی سازنده نظم حقوقی ایران، جایگاه رفیع و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی شاخه‌های دیگر حقوق حمایتی (حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، حقوق کودکان و...) داشته است. فقه در برابر جامعه سالمند با دو موضوع اصلی روبرو خواهد بود. نخست اینکه پدیده پیری جمعیت به‌عنوان یک برساخت اجتماعی، تجربه جدیدی را پیش‌روی فقه قرار می‌دهد و فقه نیز می‌بایست با عینک پیری جمعیت، استنباط‌های خود را وارد نظام حقوقی سازد تا بتواند مسائل برخاسته از وجود این قشر عظیم جمعیتی را پاسخ‌گو باشد؛ دوم آنکه فقه باید به نظریه‌ای حمایتی درخصوص حمایت از سالمندان دست یابد. برای نیل به هر دو موضوع، نیاز به شناسایی ابعاد مختلف نیازها و مشکلات سالمندان و تبیین ابعاد حقوق حمایت‌کننده از ایشان در برابر آسیب‌های مخصوص دوره سالمندی است.

نویسندگان این ضرورت را یادآوری می‌کنند که اقتضای آینده‌نگری حقوقی آن است که فقها و اندیشمندان حوزه فقه و حقوق، از امروز برای جامعه سالمند و پاسخ به نیازهای آن باید به‌فکر باشند؛ زیرا «علاج واقع، پیش از وقوع باید کرد». درحالی‌که ایران در دهه روبه‌رو با پدیده پیری جمعیت قطعی روبه‌رو خواهد شد و نیاز است هم‌اکنون، صاحبان اندیشه‌های حقوقی به فکر تولید ادبیات و هنجار حقوقی درحوزه حقوق سالمندان باشند، فقدان ادبیات حقوقی و فقهی در این رابطه، آسیب بزرگی ارزیابی می‌شود. عدم توجه به فقه سالمندی، منجر به ورود بی‌چون و چرای هنجارهای غربی در حوزه حقوق سالمندان به نظام حقوقی ایران خواهد شد؛ همان‌طور که در حوزه حقوق بشر به‌ویژه شاخه‌های حقوق حمایتی بدان مبتلا هستیم. حقوق سالمندان زوایای متعدد و مفصلی دارد که در این نوشتار به واکاوی ابعاد حق بر حریم خصوصی سالمندان اکتفا گردید.

منابع

۱. انصاری، باقر؛ «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلامی، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ ش ۶۶، ۱۳۸۳، ص ۱-۵۳.
۲. حبیب نژاد، سیداحمد و محمد صالح تسخیری؛ نظام حقوق سالمندان؛ تهران، ایران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
۳. صادقی، محمدهادی؛ «بررسی فقهی و حقوقی اتانازی»، فصلنامه مطالعات حقوقی؛ ش ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۹۲-۱۲۲.
۴. فتحی، یونس و خیراله شاهمرادی؛ «گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی»، مجله حقوقی دادگستری؛ ش ۹۱، پاییز ۱۳۹۶، ص ۲۲۹-۲۵۲.
۵. فیشر، بونی اس. و دیگران؛ دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم (مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا)؛ ج ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
۶. مشهدی، علی و سجاد محمدلو؛ «مطالعه تطبیقی مفهوم و معیار حریم خصوصی (رویکرد عرفی و فرهنگی)»، پژوهش حقوق تطبیقی؛ ش ۲، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۵-۱۴۶.
۷. هلالی، سعدالدین مسعد؛ قضیه‌المسنین الکبارالمعاصره (و أحكامهم الخاصة فی دراسة فقهية مقارنة)؛ کویت: مجلس النشرالعملی، ۲۰۰۲م.
۸. یفیتس، الدگر، گوینت رابرتس و جان ویلیامز؛ «سالمندآزاری و قانون؛ بررسی جنبه‌های حقوقی سالمندآزاری در انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری؛ ترجمه مهدی صبورپور؛ ش ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۳۷۶-۳۹۸.
9. Arpaci, F.; "Elderly and Death", TSA (Türkiye Sosyal Araştırmalar Dergisi); Turkey, YIL(Yuzuncu Yil University), 2013, 173, 215-226..
10. Blackham, A; **Extending Working Life for Older Workers: Age Discrimination Law, Policy and Practice**; London Bloomsbury

Publishing. , 2016.

11. Burd, M., & Davies, J.; **Age discrimination: A practical guide to the law**; Lewis Silkin LLP, London, 2013.
12. Chamberlain, K. A.; “Looking for a Good Death: The Elderly Terminally Ill's Right to Die by Physician-Assisted Suicide”; 17 **The Elder law Journal** 61; 2009, 17, 62-93.
13. Coals, T. Heasman, K. Heasman S., Lawrence L. Price A., Renton D. et al.; **Challenging Age Discrimination: A NATFHE policy document**; London: NATFHE, 2006.
14. CSHK Report; **Exploratory Study on Age Discrimination in Employment**; Consumer Search Hong Kong Limited and The Equal Opportunities Commission, 2016.
15. Diggelmann, O., How The Right To Privacy Became A Human Right; **Human Rights Law Review**; 2014, 14 (3), 441-458.
16. Fleming J., Farquhar M., Brayne C. & Barclay S.; Death and the Oldest Old: Attitudes and Preferences for End-Of-Life Care – Qualitative Research within a Population-Based Cohort Study; **PLoS ONE** 11 (4); 2016, 1-25.
17. Floridi L.; “Open Data, Data Protection, And Group Privacy”. **Philosophy & Technology** 27 (1); 2014, 1-3.
18. Frenkel D.A.; Patient's Right To Privacy And Public Interest; **Med. & L Journal** 34; 2015, 285.
19. Fuster G.; “Fighting For Your Right To What Exactly-The Convoluted Case Law Of The Eu Court Of Justice On Privacy And/Or Personal Data Protection”, **Birkbeck L. Rev** 2; 2014.
20. Islam M.R.; “Ageism and Age Discrimination in Old Age: An

Overview”, **Philosophy and Progress** 55 (2), 2016, 91-108.

21. Jørgensen R.F.; “The Right to Privacy under Pressure”; **NORDICOM Review** 37; 2016, 165-170.
22. Marmor A.; “What Is The Right To Privacy?”, **Philosophy & Public Affairs** 43 (1), 2015, 3-26.
23. Matthews L.; **Older People and Human Rights**; London: Age UK, 2009.
24. McCann L.; **Age Discrimination in Employment Legislation The United State Experience**; US: AARP Foundation Litigation, 2003.
25. McChrystal M.K.; “The Privacy of Elders”, **Marquette Elder's Advisor**, 2012, 22-28.
26. Schulhofer S.J.; “An International Right To Privacy? Be Careful What You Wish For”; **International Journal Of Constitutional Law** 14 (1), 2016, 238-261
27. Ghosheh N.; **Age discrimination and older workers: Theory and legislation in comparative context**; Geneva: International Labour Organization, 2008.